

گذشته و آینده فلسطین

ملت فلسطین پس از ۲۶ سال در بدری در آستانه پیروزی و تشکیل

یک حکومت مستقل ملی قرار گرفته است .

در دوشماره گذشته بمناسبت طرح مسئله فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقالاتی درباره تاریخچه استقرار قوم یهود در فلسطین و تشکیل حکومت اسرائیل که در بدری اعراب فلسطین را بدنبال داشت از نظر خوانندگان گذشت . در این بررسی که در واقع مکمل آندو مقاله است با مرور کوتاهی در باره گذشته فلسطین آخرین تحولات مسئله فلسطین و نتایج مباحث اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بنظر خوانندگان گرامی میرسانیم .

فملی اعراب، یعنی شوروی و کشورهای کمونیستی هم در صف حامیان جدی اسرائیل قرار داشتند و دولت شوروی که امروز خود را دوست شماره یک اعراب و ملت فلسطین میخواند نخستین کشوری بود که اسرائیل را برسمیت شناخت .

تا قبل از تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین کشور مستقلی بنام فلسطین وجود نداشت ، ولی مردمی که در بیت المقدس و خاک فملی اسرائیل و مناطق اشغالی اسرائیل در غرب رود اردن و ناحیه غزه زندگی میکردند فلسطینی خوانده میشدند .

سرزمین فلسطین طی قرون منمادی زیر سلطه عبریها ، آشوریها ، ایرانیها ، مقدونی ها ، رومیان ، امپراطوری بیزانس، اعراب، مصریان ، صلیبونی ، مملوکها و سرانجام

سازمان ملل متحد که ماه گذشته یاسر عرفات رهبر جبهه آزادی بخش فلسطین را چون یک رئیس دولت پذیرا شد و با تصویب قطعنامه ای حق ملت فلسطین را برای تشکیل یک حکومت مستقل و آزاد تایید نمود، نخستین بار در نوامبر ۱۹۴۷ ، یعنی درست ۲۷ سال قبل از این قطعنامه تقسیم فلسطین و تشکیل حکومت اسرائیل را تصویب کرد، در آنزمان تعداد اعضای سازمان ملل متحد کمتر از نصف تعداد اعضای فملی این سازمان بود و نه فقط بسیاری از کشورهای آسیائی و آفریقائی که امروز در صف طرفداران جدی و سرسخت اعراب و ملت فلسطین در برابر اسرائیل قرار گرفته اند استقلال نیافته یا به عضویت سازمان ملل متحد در نیامده بودند، گروهی از طرفداران

عرب فلسطینی از خانه و کاشانه خود آواره شدند بی آنکه کشور جدیدی بنام فلسطین آنکه در قطننامه سازمان ملل متحد تشکیل آن پیش-بینی شده بود) برای سکونت و توطن خود داشته باشند. اکثریت این آوارگان در سرزمین-های اشغال شده کشورهای عرب در خاک فلسطین سکنی گزیدند و عده کمتری که امکانات و تحصیلات بیشتری داشتند به کشورهای دیگر عرب مهاجرت نمودند.

تعداد پناهندگان عرب فلسطینی در سرزمین-های تحت کنترل اعراب در خاک فلسطین یا کشورهای عرب بر اثر دو عامل زاد و ولد زیاد و جنگهای بعدی اعراب و اسرائیل رو به افزایش نهاد، تعداد مهاجرین و پناهندگان عرب فلسطینی بخصوص پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ که بخش بزرگی از سرزمینهای اعراب به اشغال اسرائیلیان در آمد فزونی یافت و جنگ اکبر ۱۹۷۳ هم با اینکه عقب نشینی اسرائیل را از قسمتی از سرزمینهای اشغال شده بدنبال داشت در وضع پناهندگان تغییری بوجود نیاورد.

در حال حاضر تعداد اعراب فلسطینی که در خاک فلسطین یا کشورهای عرب بسر میبرند بالغ بر سه میلیون نفر است که قریب یک میلیون و چهار صد هزار نفر آنها در سرزمینهای تحت کنترل اسرائیل و بیش از یک میلیون و ششصد هزار نفر در کشورهای عرب بسر میبرند. این جمعیت سه میلیون نفری بشرح زیر در کشورهای عرب و اسرائیل پراکنده شده اند:

اردن (ساحل شرقی) ۹۰۰.۰۰۰ نفر
ساحل غربی اردن ۶۴۰.۰۰۰ نفر
غزه ۳۹۰.۰۰۰ نفر
سایر مناطق اشغالی اسرائیل ۴۷۰.۰۰۰ نفر
لبنان ۳۲۰.۰۰۰ نفر

عثمانیها قرار داشت که از قرن شانزدهم ب بعد بر این سرزمین حکومت میکردند، قرمانروائی طولانی عثمانیها بر سرزمین فلسطین با جنگ بین الملل اول پایان رسید و انگلیسیها که از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۷ بمدت سی سال اداره امور این سرزمین را بعهده گرفتند زمینه را برای استقرار قوم یهود در فلسطین و تشکیل نخستین حکومت یهودی در این سرزمین فراهم ساختند.

بیش از دوثلث یهودیان اسرائیل هنگام تشکیل این دولت در سال ۱۹۴۸ از مهاجرینی بودند که طی سی سال حکومت انگلیسیها بر-فلسطین در این سرزمین مستقر شده بودند (فقط ۳۵ درصد یهودیان اسرائیل در تاریخ تشکیل حکومت یهود در فلسطین بدینا آمده بودند)، در حالیکه اکثریت قریب با اتفاق اعراب فلسطین در این سرزمین بدینا آمده و ملیت فلسطینی داشتند، قطننامه مصوبه نوامبر ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد در برابر تجویز تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین، به اعراب یومی این سرزمین هم اجازه تشکیل یک حکومت مستقل عرب فلسطینی را داد، لیکن پیش از آنکه شرایط و امکانات لازم برای تشکیل چنین حکومتی فراهم آید کشورهای عرب برای جلوگیری از تشکیل حکومت اسرائیل به فلسطین حمله ور شدند و نخستین جنگ اعراب و اسرائیل که از ماه مه سال ۱۹۴۸ آغاز شد سرانجام به شکست نیروهای عرب و استقرار حکومت اسرائیل در سرزمینی وسیع تر از آنچه در طرح قطننامه تقسیم فلسطین برای اسرائیل در نظر گرفته شده بود منتهی گردید.

نتیجه نخستین جنگ اعراب و اسرائیل این بود که سرزمین فلسطین عملاً بین حکومت جدید التاسیس اسرائیل و کشورهای عرب همسایه آن تقسیم شد، بیش از ۷۵۰.۰۰۰

رهبر فعلی این سازمان که اکنون ۴۴ سال دارد، فرزند يك بزاز اهل بیت المقدس است که در زمان تاسیس الفتح جوان بیست و شش ساله‌ای بود، وی بنام مستعار دابوعماره از بدو تاسیس الفتح با این سازمان همکاری میکرد تا اینکه در سال ۱۹۶۸ رهبری الفتح را بدست گرفت و این سازمان از آن تاریخ ببعد سرعت توسعه یافت. الفتح هدف و برنامه‌های جز آزادی فلسطین ندارد و چون تابع هیچک از ایدئولوژیهای افراطی نیست معتدلترین گروه سازمان آزادی بخش فلسطین بشمار می‌آید. بعضی از سازمانهای تروریستی فلسطین مانند سازمان تروریستی «سپتامبر سیاه» که توطئه کشتار ورزشکاران اسرائیلی در مونیخ و قتل دیپلماتهای خارجی در خرطوم پایتخت سودان را ترتیب داد از توابع سازمان الفتح شناخته شده ولی یاسر عرفات همواره اقدامات تروریستی را محکوم کرده و ارتباط این عملیات را با الفتح تکذیب نموده است.

۲- جبهه خلق برای آزادی فلسطین- دومین گروه بزرگ سازمان آزادی بخش فلسطین که در سال ۱۹۶۷ از طرف يك پزشک فلسطینی بنام ژرژ حبش تاسیس شد ۳۵۰۰ نفر عضو دارد. از نظر ایده‌مولوژی گروه ژرژ حبش به پیروی از افکار مارکسیستی معروف شده و اقدامات این گروه هم خشن‌تر و افراطی‌تر از گروههای دیگر فلسطینی است.

ژرژ حبش که معتقد است جز با شدت عمل و اقدامات خشن نتوان آمیز نمیتوان اسرائیل را بزانو درآورد مشارکت در بسیاری از عملیات تروریستی و هواپیماربائی را تأیید کرده و با يك گروه تروریست ژاپنی بنام ارتش سرخ ژاپن هم ارتباط برقرار نموده است. رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین اخیرا اعلام کرده که با هرگونه تلاش در جهت مذاکره و مصالحه با اسرائیل

سوریه ۲۰۰۰۰۰ نفر
سایر کشورهای عرب ۲۵۰۰۰۰ نفر
سازمان آزادی بخش فلسطین
چگونه بوجود آمد؟

سازمان آزادی بخش فلسطین که پس از رسمیت شناختن آن از طرف کلیه کشورهای عرب و دعوت به بیست و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد بعنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین شناخته شده قریب سی هزار نفر عضو دارد که ۱۷۲۰۰۰ نفر آن افراد مسلح تمام وقت و بقیه افراد کم‌اندوئی هستند که در مواقع لزوم ماموریت‌هایی را در داخل یا خارج مناطق اشغالی اسرائیل انجام میدهند. سازمان آزادی بخش فلسطین از نظر تعداد عضو و بعنوان يك سازمان سیاسی فقط یک چهارم ملت سه میلیونی فلسطین را شامل میشود، لیکن این سازمان بیشتر خود را يك تشکیلات نظامی برای نبرد در راه آزادی فلسطین میداند و رهبران آن ادعا میکنند که در این مبارزه از پشتیبانی اکثریت قریب با اتفاق فلسطینیها برخوردارند.

در سازمان آزادی بخش دستجات مختلف کم‌اندوئی با تشکیلات سیاسی و نظامی جدا - گانه و ایده‌مولوژیهای متفاوت فعالیت میکنند که بزرگترین و موثرترین آنها از این قرارند:

۱- الفتح - بزرگترین گروه سازمان آزادی بخش فلسطین است که رهبری آن با شخص یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادی بخش فلسطین میباشد. تعداد اعضای الفتح قریب ۷۰۰۰ نفر تخمین زده شده که دو هزارتن آنان از کم‌اندوهای زنده و فعال میباشد الفتح در سال ۱۹۵۶ پس از جنگ سوئز در غزه تاسیس شده و قدیمی‌ترین گروه متشکل سازمان آزادی بخش فلسطین بشمار می‌آید. یاسر عرفات

آزادبخش فلسطین، گروه ژرژ حبش یا جبهه خلق برای آزادی فلسطین از حمایت عراق و گروه الصاعقه از حمایت سوریه برخوردار است در حالیکه الفتح، یعنی گروهی که مستیماً زیر نظر خود یا سرعرفات قرارداد از طرف مصر و الجزایر و عربستان سعودی، و یور کلی کشورهای معتدل عربی پشتیبانی میشود. درباره میزان نفوذ و محبوبیت سازمان آزادی بخش فلسطین در میان مردم فلسطین باید گفت که اکثریت فلسطینی ها، بخصوص سکنه سرزمین های اشغال شده این سازمان را زبید میکنند و رهبران این سازمان را رهبران آئمه خود می شناسند، ولی معتقدات مردم نسبت به گروه های مختلف سازمان آزادی بخش یکسان نیست و گروه های افراطی طرفداران بسیار کمتری در میان مردم فلسطین دارند

برنامه و هدف سازمان آزادی بخش

فلسطین

سازمان آزادی بخش فلسطین برای آینده فلسطین چه نقشه هایی دارد و امکانات عملی اجرای نقشه ها با توجه به سیاست اسرائیل ناچ اندازه است؟ این سئوالی است که پاسخ آن کلیتاً حل معمای کنونی خاورمیانه و سر نوشت جنه و صلح در این منطقه بشمار میرود.

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین که در حال حاضر بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین شناخته شده است طی نظر خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اصولاً طرحی را که فلسطینی ها برای حل مشکل فلسطین تدوین کرده اند اعلام داشت، بوجه این طرح یک کشور واحد فلسطینی در سرزمین فلسطین و سرزمین اصلی اسرائیل را نیز شامل می شود بر چه می آید و در این کشور مسلمانان و یهودیان مسیحیان تحت لوای یک حکومت واحد زندگی

مخالفت خواهد کرد و اگر سازمان آزادی بخش فلسطین در طریق مصالحه با اسرائیل گام بردارد از این سازمان خارج خواهد شد.

۳- الصاعقه- این گروه سازمان آزادی بخش فلسطین از فلسطینی های مقیم سوریه تشکیل شده و تعداد اعضای آن بالغ بر ۲۰۰۰ نفر است که حداقل یک هزار نفر آن کماندوهای مسلح و تمام وقت بشمار می آیند. الصاعقه در سال ۱۹۶۷ تاسیس شده و رهبری آن با ظهیر محسن میباشد.

۴- جبهه دمکراتیک خلق برای آزادی فلسطین- این سازمان که رهبری آن با یک عرب مسیحی بنام «نایف حواتمه» میباشد در سال ۱۹۶۹ از انشعاب عده ای از افراد جبهه خلق برای آزادی فلسطین (سازمان ژرژ حبش) بوجود آمده و از نظر ایده گولوژی کم و بیش پیرو عقاید مارکسیستی است. تعداد افراد این سازمان پانصد نفر تخمین زده شده، ولی عملیات کماندوئی آنها علیه اسرائیل از نظر وسعت و تعداد قابل توجه است. از آخرین عملیات کماندوهای گروه نایف حواتمه حمله به دهکده اسرائیلی معلوت است که طی آن بیست و یک نفر از کودکان دانش آموز یک مدرسه اسرائیلی بقتل رسیدند.

بجز سازمان های نامبرده، گروه های کوچک دیگری مانند «جبهه آزادی عرب» و «جبهه ملی آزادی فلسطین» نیز زیر چتر سازمان آزادی بخش فلسطین فعالیت میکنند، لیکن مهمترین و موثرترین گروه های وابسته به سازمان، چهار گروه فوق الذکر میباشد که جمعا در حدود سیصد هزار نفر عضو دارند. روابط این گروه ها با کشورهای عرب هم متفاوت است و در حالیکه همه کشورهای عرب کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین را بعنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین برسمیت شناخته اند، رقابت آشکاری برای نفوذ در داخل این سازمان بین چند کشور عرب بچشم میخورد. از میان گروه های تشکیل دهنده سازمان

يك حكومت واحد مسلمان و يهودی و مسیحی در سرزمین فلسطین هرگز مورد موافقت رهبران اسرائیل قرار نخواهد گرفت و طرح این پیشنهاد از طرف رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین بدون توجه و آگاهی از واکنش تند و مخالفت آمیز اسرائیل در برابر آن نبوده است. بعقیده بعضی از کارشناسان امور خاورمیانه که اظهارات عرفات و تاکنیک جدید فلسطینیها را در مبارزه با اسرائیل مورد بررسی قرار داده اند هدف عرفات از طرح پیشنهاد تشکیل حکومت واحد فلسطین، با اطمینان از مقاومت و مخالفت اسرائیل در برابر آن یافتن يك محمل قانونی برای تشدید مبارزه علیه اسرائیل بوده است در حالیکه بعقیده ما عرفات بنا به ضرب المثل معروف خودمان در این مورد بمرک گرفته است تا اسرائیل به تبذاری شود و از مقاومت و مخالفت در برابر تشکیل يك حکومت جدید فلسطینی در قسمتی از سرزمینهای اشغال شده اسرائیل موافقت نماید.

يك راه حل منطقی

اصل تشکیل يك حكومت جدید عرب فلسطینی از هم اکنون مورد موافقت کلیه کشورهای عرب قرار گرفته و اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل متحد هم آنرا تایید میکنند زیرا تشکیل يك حكومت عرب فلسطینی در قلمنانه نوامبر ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد هم پیش بینی شده و اگر شرایط تشکیل چنین حكومتی در آن زمان فراهم نبوده امروزه موجبات و امکانات آن از هر جهت فراهم است.

اما درباره حدود جغرافیائی حكومت عرب فلسطینی هنوز اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. حدودی که برای قلمرو این حكومت پیشنهاد شده قلمرو سابق اردن در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه می باشد که هر دو منطقه از سال ۱۹۶۷ باین طرف تحت اشغال اسرائیل در آمده

میکند. طرح عرفات در واقع تشکیل حكومتی نظیر حكومت فلی لبنان میباشد که در آن اختیارات حكومت و مقامات سیاسی به نسبت جمعیت بین مسیحیان و مسلمانان شیعه و سنی تقسیم شده است، ولی اسرائیل این طرح را دنبال نموده فدیمی فلسطینیها درباره نابودی اسرائیل تلقی میکند و نه فقط حاضر به هیچگونه بحث و مذاکره ای درباره آن نیست، بلکه ارائه این طرح را از طرف عرفات در مجمع عمومی ملل متحد دلیل سوء نیست رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین و مغایر منشور ملل متحد درباره حق حاکمیت کشورهای عضو این سازمان تلقی نموده است.

طرح پیشنهادی عرفات در واقع دعوت از سازمان ملل متحد به تجدید نظر در قلمنانه مصوبه نوامبر ۱۹۴۷ سازمان ملل میباشد که بموجب آن سرزمین فلسطین بین اعراب و یهودیان تقسیم شود و حكومت فلی اسرائیل بر اساس آن پایه ریزه وجود نهاد. پیشنهاد عرفات حق حیات یهودیان در سرزمین فلسطین و برخورداری آنها را از آزادیهای انسانی نفی نمیکند، ولی حكومتی که بموجب این طرح بوجود می آید با توجه بکثرت جمعیت اعراب و موقعیت فلسطین در میان کشورهای عرب عملاً تحت نفوذ و فرمانروائی اعراب قرار میگردد.

اسرائیلیها علاوه بر اینکه امید یبتفوق در يك حكومت واحد فلسطینی ندارند اصولاً فکر تشکیل يك حكومت واحد مشترک عرب و یهود در فلسطین مخالفند، زیرا تشکیل يك دولت یهودی با دین رسمی یهود و پرچم ستاره داود آرزوی دیرین آنها بوده و با ادغام حكومت کنونی اسرائیل در يك دولت واحد فلسطینی آرزوی که یهودیان پس از قرن ها مبارزه به آن دست یافته اند بر باد خواهد رفت.

بطور خلاصه پیشنهاد عرفات و سایر رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین برای تشکیل

تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل متحد

بحث فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سرانجام با تصویب دو قطعنامه در تاد فلسطینی‌ها پایان رسید: در قطعنامه نخستین به اکثریت ۸۹ رای موافق در برابر ۸ رای مخالف (و ۳۷ رای ممتنع) تصویب رسیده حق مردم فلسطین برای بازگشت به سرزمین آب و اجدادی خود و احراز مالکیت آنچه از دست آنها گرفته شده مورد تأیید قرار گرفته و هر گونه اقدامی از طرف مردم فلسطین برای احقاق حق خود در چارچوب منشور ملل متحد تجویز گردیده است.

قطعنامه دوم که با اکثریت ۹۵ رای موافق در برابر ۱۷ رای مخالف (و ده رای ممتنع) تصویب شده به سازمان آزادی بخش فلسطین اجازه میدهد که نمایندگان بی‌عنوان ناظر به مجمع عمومی سازمان ملل متحد بفرستد و کلیه سازمانهای وابسته به ملل متحد و کنفرانس‌هایی که از طرف سازمان ملل متحد ترتیب داده میشود بی‌عنوان ناظر شرکت نماید.

دولت ایران به هر دو قطعنامه رای موافق داده و باین ترتیب ضمن اعلام پشتیبانی اقدامات فلسطینی‌ها در طریق احقاق حق و باحضور نمایندگان سازمان آزادی بخش فلسطین در مجمع عمومی و سایر ارگانه‌های سازمان ملل متحد که بمنزله شناسایی این سازمان به‌نوا نمایند، مردم فلسطین بی‌اشک و موافقت نموده است. تصویب این قطعنامه‌ها از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد که با تصمیم شدید و بی‌شائبه سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) درباره اخراج نماینده اسرائیل از فعالیتها، منطقه‌ای خود تقارن یافته، حاکی از اینست، موقعیت بین‌المللی اسرائیل بیش از پیش تضعیف

است، اما سازمان آزادی بخش فلسطین قسمتی از ساحل شرقی رود اردن در انباز که قریب نهمصد هزار فلسطینی در آن سکنی دارند جزئی از خاک فلسطین می‌داند و اگر روزی درباره تشکیل یک حکومت عرب فلسطینی توافق شود در مورد انضمام این قسمت از خاک اردن بملرو حکومت فلسطین پافشاری خواهد کرد البته ملک حسین بهیچ قیمتی زبربار جدائی این قسمت از خاک اردن نخواهد رفت، زیرا در آن صورت از خاک اردن جز بیابانی بی‌آب و علف چیزی بر جای نخواهد ماند.

در اینجا لازم است یادآوری شود که سیاست ایران در مورد فلسطین نیز مبتنی بر احقاق حق مردم فلسطین و اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد درباره تأمین حقوق قانونی مردم فلسطین میباشد و سخنان آقای فریدون هویدا نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد هنگام بحث درباره مسئله فلسطین سیاست ایران را در این مورد کاملاً روشن ساخته است. نماینده ایران در سازمان ملل متحد به صراحت گفت که مجمع عمومی باید به تصمیم کنفرانس سران عرب در رباط مبنی بر ایجاد یک کشور فلسطینی صحه بگذارد. فریدون هویدا ضمن تأکید این مطلب که تشکیل یک حکومت مستقل فلسطینی منطبق با مصوبات قبلی سازمان ملل متحد درباره فلسطین و در جهت انجام خواست‌های ملت فلسطین است مخالفت اسرائیل را با تشکیل یک حکومت فلسطینی بشدت مورد انتقاد قرار داد و گفت که سعادت و بهر روزی یک ملت در آنی توان بر پایه ناامنی و بدبختی و آلام یک ملت دیگر بنا نهاد و این روش منفی اسرائیل قابل توجه نیست آنهم در شرایطی که دولتهای دیگر خاورمیانه برای استقرار صلح در این منطقه اعتدال و حسن نیت زیادی از خود نشان میدهند.

شده و این کشور بسرعت بسوی يك انزوای سیاسی خطرناك سوق داده میشود.

البته اسرائیل از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ باینطرف همواره در سازمان ملل متحد و ارگانهای اجرایی آن بایک اکثریت مخالف دوبرو بوده و قطعنامههای مصوبه ارگانهای مختلف این سازمان غالباً در جهت مخالفت با اسرائیل و محکومیت آن کشور تنظیم شده است ولی اسرائیل در گذشته همواره از تمکین به این مصوبات سرباز زده و محیط مخالف با اسرائیل در سازمان ملل متحد بر اثر بی اعتنائی اسرائیل نسبت به تصمیمات سازمان سال بسال تقویت شده است. اما در تصمیمات مخالف اسرائیل که در اجلاس اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یونسکو اتخاذ شده علاوه بر زمینه قبلی علیه اسرائیل و خشم اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل متحد از بی اعتنائی اسرائیل نسبت به تصمیمات و مصوبات سازمان، عامل جدید و مهمی نیز بیچشم میخورد و آن قدرت جدید کشورهای عرب از نظر تامین احتیاجات کشورهای واردکننده نفت و تاثیر مستقیم این مسئله در تعیین خط مشی سیاسی کشورهای مصرف کننده نفت در اختلافات اعراب و اسرائیل میباشد.

در قطعنامه مربوط به احقاق حق فلسطینیها و تجویز مبارزه آنها برای بازگشت به سرزمین آباء و اجدادی خود از ۳۸ کشور عضو سازمان ملل متحد فقط هشت کشور (اسرائیل، آمریکا، شیلی، بولیوی، کوستاریکا، نیکاراگوئه، نروژ و ایسلند) رای مخالف داده اند و کشورهای بزرگ صنعتی اروپای غربی و ژاپن که در گذشته حتی المقدور از دادن رای مخالف اسرائیل خودداری میکردند این بار یادرواقت با قطعنامه مربوط به احقاق حق فلسطینیها رای داده اند و یا حداکثر به دادن رای ممتنع که در مقررات سازمان ملل متحد بحساب نمی آید اکتفا نموده اند

خودداری گروهی از این کشورها از دادن رای مخالف به قطعنامه ای که ضمن تایید مبارزه فلسطینیها در باره حق موجودیت اسرائیل سکوت اختیار میکنند جز عامل ترس از تهدید نفتی اعراب هیچ دلیل دیگری نمیتواند داشته باشد

آیا موجودیت اسرائیل در خطر است؟

این نکته که قطعنامه مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره حق حاکمیت و موجودیت اسرائیل سکوت اختیار میکند حائز اهمیت بسیاری است، زیرا یا سرعفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین ضمن نطق خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح تشکیل يك حکومت واحد فلسطین را از اعراب مسلمان، یهودیان و مسیحیان پیشنهاد کرد و امکان تشکیل يك حکومت مستقل عرب فلسطینی را در کنار حکومت فعلی اسرائیل بکلی مسکوت گذاشت، نمایندگان سایر کشورهای عرب نیز ضمن سخنرانیهای خود در جریان بحث فلسطین سخنان عرفات را تایید نمودند و هیچیک از آنها به امکان تشکیل يك حکومت عرب فلسطین در کنار اسرائیل اشاره نکردند.

اینک تصویب قطعنامه ای از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پشتیبانی از خواستهای فلسطینیها و تایید مبارزه آنها با قطعنامه دیگری در باره شناسایی سازمان آزادی بخش فلسطین و اجازه حضور نمایندگان این سازمان در مجمع عمومی و سایر ارگانهای سازمان ملل متحد این توهم را بوجود آورده که طرح عرفات برای تشکیل يك حکومت واحد فلسطینی مورد تایید ضمنی قرار گرفته و اخراج نماینده اسرائیل از یونسکو در چنین موقعیتی، وضع و موقعی اسرائیل را در سازمان ملل متحد در معرض خطری جدی قرار داده است.

البته در يك بحث حقوقی و قانونی، تصویب

ارتفاعات جولان کمی فرو نشست ولی آغاز فعالیت های دیپلماتیک یا سرعفات در سطح جهانی تلاش او برای جلب موافقت دول بزرگ با هدف های سازمان آزادی بخش فلسطین رهبران اسرائیل را از تحولات آینده و نقش جدید فلسطینی ها در صحنه بین المللی نگران ساخته و تهدید استفاده اسلح اتمی در مبارزه با اعراب و خطر نابودی جهان در صورت آغاز جنگ پنجم اعراب و اسرائیل انعکاسی از این نگرانی ها است .

اما اینکه تلاش یا سرعفات برای ازیان برداشتن دولت یهود و تشکیل یک حکومت احد فلسطینی از مسلمانان و یهودیان و مسیحیان تا چه اندازه عملی است و روش کنونی اسرائیل در برابر اعراب و بالاخص فلسطینی ها تا چه اندازه منطقی بنظر میرسد مطلبی است که باید بدون تمسب و با واقع بینی مورد بررسی قرار بگیرد، و تنها راه احتراز از وقوع یک جنگ جدید در خاور میانه که بمراتب خطرناک تر و وسیع تر از جنگ های گذشته خواهد بود توجه باین واقیعتها است .

واقیعت هاییکه باید بر فتن آنها از هر دو طرف میتوان بیک راه حل منطقی و عملی در خاور میانه دست یافت باختصار از این قرار است :

۱- ملت فلسطین وجود دارد و سازمان آزادی بخش فلسطین از طرف اکثریت عظیم کشورهای عضو سازمان ملل متحد و کلیه کشورهای عرب بعنوان تنها نماینده قانونی این ملت برسمیت شناخته شده است. عدم قبول این واقیعت از طرف رهبران اسرائیل که هرگز با سازمان آزادی بخش فلسطین بعنوان نماینده ملت فلسطین وارد گفتگو نخواهد شد مشکلی را حل نخواهد کرد و اسرائیلیها هر چه زودتر بقبول این واقیعت تن در دهند راه برای رسیدن به یک توافق مقبول و منطقی در خاور میانه هموارتر خواهد شد.

قطعنامه اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره حقوق فلسطینی ها، اصول قطعنامه مصوبه نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی را که بموجب آن تشکیل حکومت اسرائیل مورد تأیید سازمان ملل متحد قرار گرفت نقض نمیکند و حق حاکمیت اسرائیل با قبول عضویت این کشور در سازمان ملل متحد علامت قبول و تأیید سازمان قرار گرفته است. اما در صورتیکه قطعنامه نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد ملایک و مجوز قانونی تشکیل حکومت اسرائیل تلقی شود مرزهای قانونی اسرائیل نیز مرزهایی است که در آن قطعنامه پیش بینی شده و باین ترتیب اسرائیل نه فقط باید تا مرزهای قبلی از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ عقب نشینی اختیار کند، بلکه قسمتی از اراضی متصرفی قبل از جنگ ژوئن را نیز باید به اعراب پس بدهد و حکومت جدید فلسطین در سرزمینی که بموجب قطعنامه تقسیم فلسطین برای اعراب در نظر گرفته شد بوجود آید.

واکنش اسرائیل و واقیعت های موجود

نخستین واکنش اسرائیل در برابر تحولات اخیر آماده باش نظامی و تظاهر به آمادگی برای آغاز یک جنگ جدید، طعن و لعن سازمان ملل متحد از طرف رهبران اسرائیل و اعلام رسمی این مطلب از طرف نخست وزیر اسرائیل بود که اسرائیل علیرغم تصمیم سازمان ملل متحد هرگز سازمان آزادی بخش فلسطین را بعنوان نماینده ملت فلسطین برسمیت نخواهد شناخت و هرگز با نمایندگان این سازمان به گفتگو نخواهد نشست. طرفان سیاسی در اسرائیل و خطر آغاز یک جنگ جدید در منطقه عربی خاور میانه بدنبال سفردیبر کل سازمان ملل متحد به خاور میانه و موافقت سوریه با تمديد مأموریت نیروهای صلح ملل متحد در

شود که مفهوم ساده آن تاکید بر حق موجودیت و استقلال اسرائیل در برابر حق قانونی مردم فلسطین برای تشکیل يك حکومت تازه و مستقل در این سرزمین است.

۴- اسرائیل علاوه بر شناسایی حق قانونی ملت فلسطین برای تشکیل يك حکومت مستقل در قسمتی از سرزمینهای اشغال شده فعلی آن کشور باید باقیمانده اراضی اشغال شده اعراب را به صاحبان اصلی آنها پس بدهد. ادعای رهبران اسرائیل درباره لزوم نگاهداری قسمتی از این اراضی برای تامین امنیت مرزهای آن کشور بهانه‌ای غیر معقول و غیر منطقی است که پافشاری درباره آنها بوقوع جنگ دیگری در خاور میانه منتهی خواهد شد. اسرائیل امنیت مرزهای خود را با جلب دوستی و اعتماد واقعی همسایگان عرب خود و امضای قراردادهایی که از طرف قدرتهای بزرگ تضمین شود بهتر میتواند حفظ کند تا با پافشاری در حفظ مرزهایی که غیر قابل اطمینان بودن آنها در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ به ثبوت رسید.

۲- ملت اسرائیل نیز وجود دارد و پافشاری فلسطینیها در مورد عدم شناسایی حکومت اسرائیل و تشکیل يك حکومت واحد فلسطینی که اسرائیل در آن ادغام شود عملی و واقع بینانه نیست. تشکیل دولت یهود تجسم يك آرزوی هزار ساله و محصول نیم قرن مبارزه سرسختانه ملت یهود برای استقرار حکومت اسرائیل است و مردم اسرائیل تحت شرایط فعلی بهیچ قیمتی زیر بار برچیده شدن این حکومت و ادغام آن در يك کشور واحد فلسطینی نخواهند رفت.

۳- آمریکا با وجود منافع حیاتی خود در کشورهای عربی صادرکننده نفت سرسختانه از موجودیت اسرائیل دفاع میکند و دولت شوروی هم با همه منافی که در دنیای عرب دارد خواهان از میان رفتن اسرائیل نیست.

اعلامیه اخیر رهبران آمریکا و شوروی پس از کنفرانس «دولاد یوستک» هم روی این نکته تاکید میکند که استقلال و حاکمیت ملل خاور میانه و حقوق قانونی ملت فلسطین باید توأمان مراعات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

✻ برای تهیه این مقاله از منابع زیر استفاده شده است :

TIME - 11 November 1974 - P. 28-41
L'EXPRESS. 4-10 Novembre 1974 - P. 50-53
NEWSWEEK. 25 November 1974 - P. 10-18
U. S. NEWS AND WORLD REPORT. 18 November 1974